

جمعه گردی های اسماعیل نوری علا

ارزیابی «انتخابات آزاد» همچون یک گفتمان

جای حیرت عمیق است که فکر گفتمان «انتخابات آزاد» از جانب کسانی مطرح می شود که خود را صراحتاً «سکولار» می دانند. بنا بر هر تعریف موجود، چنین آدمی خواهان شراکت صاحب وار و تامهء همهء آحاد ملت و شهروندان یک کشور در حاکمیت است و، همچنین، این هدف را بی جدا کردن حکومت و دولت از مذاهب و مکاتب مقدور نمی یابد. چنین کسی نمی تواند هدف اعلام شده ای جز خواستاری انحلال حکومت مذهبی و برقراری حکومتی سکولار داشته باشد و نمی تواند تن به شرکت در «انتخابات آزاد»ی دهد که یک گزینهء آن استمرار حکومت فعلی و قانون اساسی آن باشد.

esmail@nooriala.com

1

یک ماه پیش مطلبی داشتم در مورد اهمیت شکل گیری یک «گفتمان سیاسی» و آن را بعنوان «پلی مفقود» بین «خواست» و «شعار» خوانده و توضیح دادم که «گفتمان» ها عامل وحدت بخشنده و جذب کننده ای هستند که گروه ها را در زیر پرچم خواست و شعارهای معنی دار و مؤثر گرد هم آورده و نیروی سیاسی بنیان کنی را بوجود می آورند. (1) در عین حال پیشنهاد مشخص من آن بود که «خواستاری اسقرار حکومتی سکولار و دموکرات در ایران» می تواند محور چنین گفتمانی باشد. قبل از این مقاله نیز بیانیهء «پشتیبانان سکولار جنبش سبز»، با امضای پنجاه و دو نفر از روشنفکران، نویسندگان و هنرمندان ایران در همین راستا منتشر شده بود (2). اما، گروهی هم بودند که «گفتمان» دیگری را برای جنبش سبز پیشنهاد کرده و با پیشنهاد ما موافقت نداشتند. گفتمان پیشنهادی آنان در بیانیه ای که، همزمان با بیانیهء پشتیبانان، و در پشتیبانی از بیانیهء شماره 17 آقای مهندس میرحسین موسوی، منتشر شد بصورت زیر فرمول بندی شده بود:

«برجسته ترین وجه این بیانیه چهار بند مربوط به "انتخابات آزاد" و پیش شرط های برگزاری آن، از جمله آزادی زندانیان سیاسی، آزادی مطبوعات و رسانه ها، و تاکید بر حق تشکیل احزاب و برگزاری اجتماعات است. این خواسته ها از هنگام برگزاری انتخابات خرداد ماه به بعد از سوی هواداران دموکراسی و کثرت گرایی بارها مطرح شده است. امیدواریم طرح این مطالبات تاریخی در بیانیه ی میرحسین موسوی زمینه را برای پذیرش عمومی آنها و گسترش همکاری میان نیروهای گوناگون جنبش سبز، چه اصلاح طلبان مسلمان و چه نیروهای سکولار- دموکرات، فراهم کند. پذیرش راهبرد "انتخابات آزاد" [در بیانیهء مهندس موسوی]، به مثابه پذیرفتنی ترین و کم هزینه ترین گزینه در راستای گذار به نظام دموکراتیک، گویای افزایش نرمش فکری و گسترش دیدگاه سیاسی میر حسین موسوی در فرایند رویدادهای اخیر است. مهدی کروبی نیز، از کارزار انتخابات ریاست جمهوری به این سو، نقشی انکار ناپذیر در بیان و گسترش خواسته های دموکراتیک داشته است». (3)

این بیانیه، که بعنوان «دیدگاه های بیش از پنجاه تن از دانشگاهیان، روشنفکران، و کنشگران سیاسی» منتشر شده، متضمن جا انداختن گفتمان [یا در زبان بیانیه، «راهبرد»] ی بود که «انتخابات

آزاد» نام داشت و نویسندگان آن معتقد بودند که این راهبرد «پذیرفتنی ترین و کم هزینه ترین گزینه در راستای گذار به نظام دموکراتیک» است.

بدین سان، می توان دید که برخی از دوستان سیاسی ما، که بصورتی آشکار و اثباتی خود را سکولار می دانند (و از جمله آنان برخی از اعضاء مؤثر اتحاد جمهوری خواهان ایران، از یکسو، و حتی حزب پادشاهی خواه مشروطه ایران، از سوی دیگر، هستند) به این اعتقاد رسیده اند که گفتمان [یا «راهبرد»] آینده جنبش سبز را می توان از درون خواست و شعار «انتخابات آزاد» بیرون کشید. البته، با در نظر گرفتن مقالات متعددی که آقایان دکتر امیرحسین گنج بخش و رضا سیاوشی (دو تن از امضاء کنندگان این بیانیه) از چندین ماه پیش تر منتشر کرده و همین «تر» را به تفصیل و تحت عناوینی همچون «کمپین انتخابات آزاد، روایت آزادی خواهانه از جنبش سبز» مورد بحث قرار داده بودند، (4) کاملاً مشخص بود که آنها جزو تهیه کنندگان اصلی بیانیه مزبور نیز هستند و، لذا، می توان برایشان نوعی منصب غیر رسمی سخنگویی گروه امضاء کننده را قائل شد.

2

اما دلیل اینکه من اکنون قصد کرده ام تا بررسی «تر انتخابات آزاد» را موضوع این مقاله قرار دهم، آن است که اخیراً خانم ماندانا زندیان گفتگوئی با آقای گنج بخش در همین زمینه داشته و ایشان بار دیگر دقایق نظرات خود را در مورد «تر انتخابات آزاد» توضیح داده اند و من خواندن این توضیحات را به خوانندگان مقاله این هفته ام توصیه می کنم (5)، چرا که فکر می کنم دکتر گنج بخش عصاره «گفتمان انتخابات آزاد» را بروشنی در آن مطرح کرده است و، در عین حال، قوت ها و ضعف های این پیشنهاد نیز در همین گفتار قابل دیدن است.

دکتر گنج بخش در این گفتگو توضیح می دهد که چرا خواستاری «انتخابات آزاد» یک راهبرد عملی برای پیشبرد جنبش سبز است:

1. «جنبش سبز جنبشی برخاسته از بستر یک انتخابات بود و خواست انتخابات آزاد هم با همان پسزمینه ارتباط دارد».
2. «در جنبش سبز طیف وسیع مردم ایران (از هواداران جمهوری اسلامی تا مخالفین این نظام) کنار هم قرار گرفته اند و حرکت را پیش می برند و توسل به گفتمان انتخابات آزاد می تواند این همزیستی را حفظ کند».
3. «وقتی مقصد مشترک انتخاباتی باشد که آزادی شرکت کنندگان در مبارزه انتخاباتی در آن تضمین شده باشد، آنگاه نیروهای مختلف سیاسی وزن خود را خواهند شناخت».
4. «در جریان رقابت های انتخاباتی، نزاع بین طرفداران و مخالفان قانون اساسی جمهوری اسلامی از یک موضوع تفرقه انگیز به موضوعی رقابتی بدل می شود و همه چیز، از جمله ارزیابی قانون اساسی این نظام، به نظر بیشترین مردم واگذار می شود».
5. «در این صورت فردی مانند من که معتقد است قانون اساسی جمهوری اسلامی متنی سراپا تناقض و مملو از تبعیض است، همراه هموطنی که از این قانون اساسی دفاع می کند، می تواند با حفظ

هویت خود و بدون پنهان کردن یا حتی کمرنگ کردن خواسته‌هایش در انتخابات شرکت کند و بکوشد بیشترین رأی را از آن خود سازد.»

3

من، بدون اینکه وارد بحث در مورد ربط ارگانیک این نکات با توانائی راهبری گفتمان «انتخابات آزاد» برای متحد و منسجم کردن نیروهای وابسته به جنبش سبز شوم، و با فرض اینکه چنین ربطی وجود دارد، می‌خواهم کارم را با دو پرسش کوچکی آغاز کنم که برایشان، در ادبیات منتشر شده از جانب پیشنهاد کنندگان و طرفداران این «تر»، پاسخی نیافته‌ام:

1. مجری (نه ناظر بر) این انتخابات آزاد کیست؟
2. موضوع یا موضوعاتی که در این انتخابات (حال بگیریم که بصورت «برنامه‌های احزاب مختلف» و نه فراندومی که ایشان بدان معتقد نیست) مطرح می‌شود در چه زمینه‌ای هستند؟ یافتن پاسخی به این پرسش‌ها از آن جهت مهم است که هر نوع پاسخ می‌تواند نتایج خاص خود را داشته باشد.

پرسش اول در واقع حامل این سردرگمی است که آیا این «انتخابات آزاد» بوسیله تشکیلات موقتی که، پس از انحلال حکومت فعلی، کشور را می‌گرداند برگزار خواهد شد و یا قرار است همین حکومت مذهبی فعلی برگزار کننده آن باشد؟ ابتدا به گزینه اول توجه کنیم: اگر انجام انتخابات آزاد مورد نظر به بعد از انحلال حکومت اسلامی فعلی و جانشینی دوستان دموکرات ما موکول شود، در آن صورت بدیهی است که، چه بخواهیم و چه نه، انتخاباتی صورت خواهد گرفت و در آن موضوعات مختلفی به رأی‌گیری گذاشته خواهد شد و، در نتیجه، معلوم نیست که خواستن یک «امر بدیهی» چگونه می‌تواند، بعنوان گفتمان محوری یک مبارزه سیاسی، ما را به مقصودمان برساند.

اما اگر فرض آن است، در هنگام برگزاری این «انتخابات آزاد»، حکومت اسلامی همچنان برقرار بوده و خود مجری آن است، آنگاه باید دید که دوستان دموکرات ما چگونه این حکومت را به آنچنان نقطه‌ای رسانده‌اند که تن به چنین انتخاباتی آزاد می‌دهد که، به استناد بیانیه شماره 17 مهندس موسوی، «پیش شرط‌های برگزاری آن، از جمله آزادی زندانیان سیاسی، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها، و تاکید بر حق تشکیل احزاب و برگزاری اجتماعات است».

گفت: «شیر بی یال و دم و اشکم که دید / این چنین شیری خدا هم نافرید!»

4

بله، می‌دانم که بلافاصله با این واکنش روبرو خواهم شد که مگر در حکومت آپارتایدمحور آفریقای جنوبی، یا در حکومت نظامی پینوشه در شیلی، و نقاط دیگری از جهان، رژیم‌های موجود با تن در دادن به انجام «انتخابات آزاد» عوض نشده‌اند؟ البته که چنین بوده است؛ اما:

1. رژیم‌هایی که تن به اینگونه انتخابات بنیان برافکن می‌دهند، عملاً، در آنچنان نقطهء ضعفی قرار گرفته‌اند که چاره‌ای جز پذیرش انجام این انتخابات (برای اینکه جان‌شان را به سلامت به در برند) در پیش رو ندارند؛

2. اما ضعیف شدن آنها ربط قابل اثباتی به خواستاری انجام «انتخابات آزاد» نداشته و باید در جستجوی دلایل اصلی این نوع سقوط‌ها برآمد.

بدین سان اگر پیشنهاد کنندگان «تر انتخابات آزاد» همین حکومت مذهبی کنونی را مجری چنین انتخاباتی می‌دانند باید نشان دهند که چگونه می‌توان، با طرح «تر خواستاری انتخابات آزاد»، این حکومت را به چنان نقطهء ضعفی کشاند که تن به انتخاباتی دهد که - با توجه به درهمپاشی رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی و رژیم نظامی شیلی - در پی انجام آن خود از هم فرو خواهد پاشید. در اینجا هم لازم است آنها در چگونگی تحمیل این تضعیف نکته‌هایی را با خوانندگان خود در میان بگذارند.

5

باری، براستی پیشنهاد دهندگان «تر خواستاری انتخابات آزاد»، کدام یک از دو گزینه بالا را در نظر دارند؟

صرف‌نظر از مواضع مهندس موسوی که فعالیت خود را کوششی برای «حفظ جمهوری اسلامی» و بازگشت دادن آن به «عهد طلایی امام خمینی» تعریف می‌کند و در نتیجه خواستار انجام انتخابات آزاد از همین حکومت مذهبی کنونی است، شواهدی که در گفتار آقای دکتر گنج بخش وجود دارد نیز حکایت از آن می‌کنند که «روشنفکران دموکرات و تکثرگرا» ی امضاء کننده بیانیه نیز نظرشان به گزینه دوم است. یعنی انجام انتخابات آزاد را از خود حکومت مذهبی کنونی مطالبه می‌کنند. ایشان می‌گویند:

1. «اگر فکر کنیم جنبش سبز از حکومت کنونی ایران چه می‌خواهد یا چه چیزی را می‌خواهد به این حکومت تحمیل کند، می‌توان گفت روندی که در ابتدا در شعار "رأی من کو؟" تجلی یافت، و سپس به "رأی مرا پس بده" رسید، امروز به استراتژی «انتخابات آزاد» فرارویده است.»

2. «[در انتخابات آزاد] همه چیز، از جمله ارزیابی قانون اساسی این نظام، به نظر بیشترین مردم واگذار می‌شود. در این صورت فردی مانند من که معتقد است قانون اساسی جمهوری اسلامی متنی سراپا تناقض و مملو از تبعیض است، همراه هموطنی که از این قانون اساسی دفاع می‌کند، می‌تواند با حفظ هویت خود، و بدون پنهان کردن یا حتی کمرنگ کردن خواسته‌هایش، در انتخابات شرکت کند و بکوشد بیشترین رأی را از آن خود سازد.»

بدینسان، معلوم می‌شود که هنگام وصول دوستان ما به مرحلهء انجام انتخابات آزاد،

1. حکومت کنونی ایران وجود دارد

2. کاملاً معلوم است که «جنبش سبز» از آن چه می‌خواهد یا، در کلام دکتر گنج بخش، «چه

چیزی را می‌خواهد به این حکومت تحمیل کند.»

2. قرار است که در این انتخابات آزاد از جمله تغییر یا تثبیت مفاد قانون اساسی حکومت کنونی به رأی گذاشته شود.

معنای این سخنان آن است که دوستان ما فکر می کنند که،

1. از یکسو، با مطرح کردن خواست انتخابات آزاد، رژیم را به تن دادن به آن وا می دارند و،
2. از سوی دیگر، در پی یک «وزن کشی» انتخاباتی، وزن مخالفان قانون اساسی حکومت مذهبی کنونی (از جمله آقای گنج بخش که معتقدند «قانون اساسی جمهوری اسلامی متنی سراپا تناقض و مملو از تبعیض است») بیشتر از وزن «هموطنی که از این قانون اساسی دفاع می کند» خواهد بود و، در نتیجه، آنها بازی را برده و - لابد - سر فرصت «تناقضات و تبعیضات» قانون اساسی جمهوری اسلامی را مرتفع خواهند ساخت.

البته دوستان ما می دانند که ممکن است حکومت اسلامی در هنگام برقراری این انتخابات آزاد دست به تقلب و فریبکاری (که کار همیشگی آن در هر انتخاباتی بوده) بزند و، لذا، به آن پیش شرط های مورد نظر آقای مهندس موسوی اشاره کرده و برای محکم کاری، در کلام دکتر گنج بخش، به این نکته اشاره می شود که: «انتخابات آزاد می باید بر اساس قوانینی که سال ۱۹۹۴ در کنفرانس بین المجالس در پاریس (6) به تصویب رسیده است برگزار شود. این قوانین مجموعه ای شفاف و روشن است مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر با پیش شرط ها و اصولی که می باید پذیرفته شوند؛ به عنوان نمونه، انتخابات آزاد در کشوری که زندانی سیاسی دارد انجام پذیر نیست».

پس می توان نظرات مطرح شده در گفتمان «انتخابات آزاد» را چنین جمع بندی کرد:

1. جمهوری اسلامی باید وادار شود که انتخاباتی آزاد برگزار کند.
2. برای تأمین آزادی این انتخابات شرایطی وجود دارد که در قوانینی که در سال ۱۹۹۴ در کنفرانس بین المجالس در پاریس به تصویب رسیده ذکر شده اند و انتخابات "باید" همراه با تأمین آن شرایط باشد.

3. یکی از موضوعات قابل طرح در این انتخابات آزاد قانون اساسی جمهوری اسلامی است که، از نظر دکتر گنج بخش، «سراپا تناقض و تبعیض است».

4. در عین حال، باز در کلام دکتر گنج بخش، «[باید دید که] آیا همه ی نیروهایی که از انتخابات آزاد صحبت می کنند، حق شهروندی هر ایرانی را برای انتخاب شدن و انتخاب کردن می پذیرند؟ به عنوان نمونه، آقای کروبی یا آقای موسوی که از انتخابات آزاد سخن می گویند می باید پاسخگوی پرسش های زنان و بهایان برای امکان نامزدی ریاست جمهوری باشند. پاسخ به چنین پرسش هایی به تعریف افراد و احزاب و تشکلهای سیاسی می انجامد... این مسائل مطرح می شود، راه حل ها بر اساس آن ارائه می شود و بعد مردم با یک دید باز تصمیم می گیرند کدام راه حل را برای مطالبات مدنی خود مناسب تر می بینند و به آن رأی می دهند».

6

اجازه دهید که قبل از ادامه بحث درباره شرایط پیشنهادی دهندگان تر انتخابات آزاد، اندک اشاره ای داشته باشم به برخی از همان تناقضات و تبعیض های مندرج در قانون اساسی، که دوستان ما قصد دارند آنها را از طریق نظرسنجی در انتخابات آزاد مورد نظر خود مرتفع سازند:

1. قانون اساسی حکومت مذهبی کنونی همهء شهروندان را به یک چشم نگاه نمی کند و بین آنها، به دلایل شرعی مختلف، تبعیض قائل است. زن و مرد را مساوی الحقوق نمی داند، مسلمان شیعه را بر مسلمان سنی، و هر دو را بر دیگر "اهل کتاب"، و هر سه را بر اهل "فرق طاله" ای همچون بهائیان برتر می داند.

2. از جمله تناقضات آشکار قانون اساسی حکومت مذهبی فعلی تناقض بین حاکمیت ملی و حاکمیت قشر دینکاران فرقهء امامیه است که از دل تئوری های مربوط به حاکمیت امام زمان و جانشینی ولی فقیه بیرون می آید.

بدین سان، با توجه به همین دو تناقض بین اعلامیه حقوق بشر (که مورد استاد کنفرانس بین المجالس، بعنوان پایه «انتخابات منصفانه و آزاد» بوده) و قانون اساسی فعلی حکومت مذهبی در ایران، آیا اساساً می توان بود و نبود این قانون را به رأی عمومی گذاشت. آیا می توان امری همچون این موضوع فرضی را که «حکومت می تواند همهء مخالفین خود را اعدام کند» به رأی گذاشت و نهایت دقت را هم انجام داد که انتخابات منصفانه و آزادانه انجام گیرد؟

ایشان توضیح نمی دهند که اگر ابقا یا تغییر تبعیضات مندرج در قانون حکومت مذهبی فعلی به رأی گذاشته شود و مردم هم، فرضاً، به آن رأی مثبت دهند چگونه مفاد اعلامیه حقوق بشر محترم خواهد ماند و مورد رعایت قرار خواهد گرفت؟ و اگر تعداد «هموطنی که از این قانون اساسی دفاع می کند» بیشتر از تعداد همفکران آقای گنج بخش شد تکلیف چیست؟ آیا همهء خون ها و شکنجه ها و تجاوز هائی که جنبش سبز متحمل شده و لابد در آینده هم خواهد شد برای برگزاری انتخابات آزادی است که ممکن است بوسیلهء آن همین قانون اساسی، با همهء «تناقضات و تبعیضات» اش ابقا شود؟ در اینجا منظور من مخالفت با رأی مردم - اگر مطابق میل من نبود - نیست بلکه به مسئلهء مطابقت موضوع رأی گیری با مفاد اعلامیهء حقوق بشر مربوط می شود.

در عین حال، ایشان، در واقع، به این پرسش محتوم پاسخ نمی دهند که آیا «قوانینی که در سال ۱۹۹۴ در کنفرانس بین المجالس در پاریس به تصویب رسیده» اساساً اجازه طرح این تبعیضات را بعنوان «موضوع رأی گیری در یک انتخابات آزاد» می دهند؟

در عین حال، نامناسب نمی دانم که در اینجا سخنی از آقای اکبر گنجی را نیز به مطالب بالا بیافزایم که اگرچه خود امضاء کنندهء بیانیهء پنج نفر در تأیید اعلامیه شماه ۱۷ مهندس موسوی است اما می نویسد:

«مهمترین اشکال ساختاری انتخابات ایران آن است که منجر به "انتقال قدرت" نمی شود. انتخابات آزاد افریقای جنوبی قدرت را از دکلرک به ماندلا منتقل کرد. انتخابات آزاد لهستان قدرت را از ژنرال یاروزلسکی به لخ والسا منتقل کرد. انتخابات آزاد چک قدرت را به واسلاو هاول منتقل کرد. ژنرال پینوشه پس از مذاکره با مخالفان سازمان یافته انتخابات آزادی برگزار کرد که منجر به انتقال قدرت به مخالفان گردید، و اکنون یکی از زندانیان سیاسی پینوشه، خانم میشله باچلت سوسیالیست، رئیس جمهور آن کشور است. در ایران اگر هم انتخابات کاملاً آزاد، رقابتی و منصفانه برگزار شود، قدرت از خامنه ای و

نهادهای و افراد تحت امر او به اصلاح طلبان منتقل نخواهد شد. هر فرد یا گروهی که پیروز انتخابات آزاد شود مجبور است تحت امر ولایت مطلقه فقیه و نهادهای تحت امر او کار کند. انتقال قدرتی در کار نخواهد بود.» (7)

7

باری، اینگونه مطالب را می توان بسیار گفت اما، آنچه از نظر اجرائی اهمیت دارد و در سخنان دوستان ما به آن پرداخته نمی شود، توضیح اقدامات ایجابی و نتایج اجرائی ضروری آنها، از هم اکنون تا روز برگزاری انتخابات آزاد مورد نظر ایشان، است که منجر به تضعیف حکومت مذهبی کنونی و تن دادن آن بله انجام انتخابات آزاد می شو.

یعنی، حتی اگر بپذیریم که گفتمان «انتخابات آزاد» ایشان قدرت آن را دارد که همهء شرکت کنندگان در جنبش سبز را (از سکولارها گرفته تا اصلاح طلبان مذهبی) گرد هم آورده و جبههء وسیع خواهندگان انتخابات آزاد را بوجود آورد، هیچ معلوم نیست که این گرد هم آمدگان، قرار است با چه عملیاتی حکومت خونریز کنونی را وادارند که بپذیرد یک انتخابات آزاد، آن هم بر حسب «قوانینی که در سال ۱۹۹۴ در کنفرانس بین‌المجالس در پاریس به تصویب رسیده»، برگزار شده و در آن حیات و ممات خود این رژیم نیز به رأی آزاد مردم وا گذاشته شود.

براستی هم که اگر تفصیل این عملیات روشن می بود و نشان داده می شد که چگونه گفتمان انتخابات آزاد می تواند رژیم کنونی را تا این حد از ضعف و تسلیم بکشاند ما غصه ای نداشتیم و از فردا مشغول متحقق ساختن آنها می شدیم. اما، متأسفانه، مؤلفان خوش نیت پیشنهاد مزبور این تکه از کار را به ما توضیح نمی دهند و ما باید بی صبرانه منتظر آن باشیم که پس از اعلام آن «عملیات» به صفوف فشردهء مردم مبارزی بپیوندیم که در پایان پیروزمندانهء آن فردی هم «که معتقد است قانون اساسی جمهوری اسلامی متنی سراپا تناقض و مملو از تبعیض است، همراه هموطنی که از این قانون اساسی دفاع می کند، می تواند با حفظ هویت خود و بدون پنهان کردن یا حتی کمرنگ کردن خواسته هایش در انتخابات شرکت کند و بکوشد بیشترین رأی را از آن خود سازد».

شاید هم طراحان گفتمان انتخابات آزاد اعتقاد دارند که این گفتمان، لابد به دلایلی که آنها می دانند اما بر ما پوشیده است، آنقدر جذابیت دارد که می تواند همزیستی «طیف وسیع مردم ایران (از هواداران جمهوری اسلامی تا مخالفین این نظام) را که در جنبش سبز کنار هم قرار گرفته اند و حرکت را پیش می برند» حفظ کند و آنگاه استمرار جنبش حاصلی جز تضعیف رژیم نخواهد داشت. اما در این مورد نیز هیچگونه دلیل منطقی و عینی خاصی ارائه نشده و مخاطب در نمی یابد که چرا گفتمان انتخابات آزاد این خاصیت گردهم آورنده را دارد و همچون ملاطی قوی تکه های مختلف یک ساختمان را بهم چسبانده و کلیت یکپارچه ای از مجموع آنها بوجود می آورد که می تواند مبارزه را تا تضعیف کامل رژیم و تن دادن آن به انتخابات آزاد ادامه دهد.

البته طرح شعارهائی اینگونه که با فرض «انجام انتخابات و همه پرسی ها بوسیلهء حکومت بر سر کار» ساخته می شوند، بعنوان راه حل مبارزات مردم علیه وضعیت فعلی، در سالیان حکومت اسلامیست ها کم سابقه نبوده است. لاقلاً خاطرهء «طرح فراندوم» - که قرار بود با گردآوری شصت میلیون امضای اینترنتی حکومت را وادار به برگزاری رفراندوم کند - هنوز در ذهن ها هست. همچنین می توان به بیانیه ۲۵۶ فعال سیاسی، فرهنگی و دانشگاهی داخل کشور در جریان انتخابات سال ۱۳۸۴ در مورد «پیش شرط های برگزاری انتخابات آزاد» اشاره کرد. (۸)

اما در هر همهء این موارد شعار «انتخابات آزاد» در بادی امر «بدیهی» بنظر می رسید، چرا که اگر قرار بر تغییر حکومت باشد انجام رفراندوم و نیز برگزاری انتخابات آزاد البته که قدم اول تأسیس یک حکومت جدید است؛ اما اگر قرار به حضور حکومت فعلی بعنوان مجری خواست ها باشد، باید گفت که با اینگونه شمشیرها تنها می توان به جنگ آسیاب های بادی رفت و «دون کیشوت» وار به کشتن آنها پرداخت.

بنظر من، در یک معادلهء سیاسی پیچیده، همچون معادلهء چند مجهولی وضعیت کنونی جنبش سبز، مهمترین کار ارائهء راهبردها و گفتمان های «غیر بدیهی» است - یعنی راهبردهائی که چون بدیهی نیستند لزوماً و حتماً اتفاق نخواهند افتاد و برای اتفاق افتادن شان باید دارای استراتژی و تاکتیک و مرحله بندی تفصیلی بود و، در عین حال، و بالاتر از همه، اهدافی را مطرح کرد که ناقض و منحل کنندهء وضعیت ناراضی ترارش کنونی اند، نه اینکه راه را چنان باز گذاشت که یکی از گزینه های نهائی مبارزاتی اینگونه به خون آغشته ابقای همین رژیم باشد که نداها و سهراب ها را به مسلخ می برد.

من فکر می کنم که گفتمان «انتخابات آزاد»، به همهء آن دلایلی که گفتم و می توانم بیش از اینها بر آنان بیافزایم، نه گیرائی و قدرت جذب دارد، نه هدف مشخص و معین، و نه این نوید را می دهد که در پایان کار حکومت اسلامی بر جای خود ابقا نخواهد شد. و بر اساس این استنباط فکر می کنم که مطرح کردن فکر «انتخابات آزاد» کاری هم بیهوده و هم خطرناک است زیرا، در عین حالی که می تواند بصورت یک سرگرمی وقت تلف کننده به پوچی مطلق بیانجامد، توانائی آن را هم دارد که حکومت کنونی را عمری تازه و طولانی ببخشد.

در عین حال، حیرت عمیق من از آن است که فکر گفتمان «انتخابات آزاد» از جانب کسانی مطرح می شود که خود را صراحتاً «سکولار» می دانند. بنا بر هر تعریف موجود، چنین آدمی خواهان شراکت صاحب وار و تامهء همهء آحاد ملت و شهروندان یک کشور در حاکمیت است و، همچنین، این هدف را بی جدا کردن حکومت و دولت از مذاهب و مکاتب مقدور نمی یابد. چنین کسی نمی تواند هدف اعلام شده ای جز خواستاری انحلال حکومت مذهبی و برقراری حکومتی سکولار داشته باشد و نمی تواند تن به شرکت در «انتخابات آزاد»ی دهد که یک گزینهء آن استمرار حکومت فعلی و قانون اساسی آن باشد.

اما، صرفنظر از اینگونه تضاد های تئوریکی که انتخابات آزاد مورد نظر دوستان ما را ناممکن می سازد، نکتهء اصلی همچنان رساندن و کشاندن حکومت اسلامی به جایی است که - در ظاهر هم شده -

تن به چنین اقدامی داده و، بقول گاوایان تکزاسی، هفت تیرش را در غلاف شلیک کرده و پای خود را زخمی سازد. شما این راه نشان دهید، تضمین آزادی انتخابات با من!

9

و در پایان این مقاله دوست دارم این نکته را هم متذکر شوم که همین حکومت مذهبی فعلی، با کشتارها و دستگیری هائی که به پا کرده، دست به انجام یک رفتارندوم گویا و آشکار زده است و «زندان اوین» خود یکی از نمادهای بارز رفتارندومی است که در آن بهترین فرزندان وطنمان بجرم خواستاری انحلال حکومت مذهبی در کلیت خود شکنجه شده و به قتل می رسند. آنها که با اشاره به قوانین مصوب بین المجالس یکی از شرایط انجام انتخابات آزاد را آزادی زندانیان سیاسی می دانند مطمئن باشند روزی که درهای زندان های سیاسی حکومت مذهبی گشوده شده و این بهترین فرزندان میهن به خانه های خود برگردند دیگر نه از تاک نشان خواهد ماند و نه از تاک نشان و ضرورتی در میان نخواهد بود که در انتخابات آزادی که برگزار می شود از مردم بپرسیم که آیا همین قانون اساسی پر از تناقض و تبعیض را می خواهید یا به ما اجازه می دهید که قانون تر و تمیزتر و بهتری برایتان بنویسیم؟

پانویس ها:

1. <http://www.puyeshgaraan.com/ES.Notes/2010/031210-PU-EN-The-Missing-bridge.htm>
 2. http://www.seculargreens.com/main_article.htm
 3. <http://www.akhbar-rooz.com/news.jsp?essayId=26490/>
 4. <http://www.newsecularism.com/2010/01/11.Monday/011110-Siyavoshi-Ganjibakhsh-For-free-election.htm>
 5. <http://www.iran-emrooz.net/index.php?/politic/more/21754/>
 6. اتحادیه بین المجالس (Inter-Parliamentary Union) در پایان دوران جنگ سرد و ظهور دموکراسی های جدید در اروپای شرقی که با انجام انتخابات پارلمانی همراه بود، متوجه ضرورت وجود ضوابطی برای انجام «انتخابات آزاد و منصفانه» (free and fare elections) شد و با گردهم آوردن ناظران انتخاباتی کوششی را در راستای تدوین اصول انجام اینگونه انتخابات آغاز کرد. حاصل این کوشش کتاب منحصر بفرد پروفیسور "گای گودوین- گیل" (استاد دانشگاه آکسفورد) بود که از سوی اتحادیه بین المجالس با نام "انتخابات آزاد و منصفانه: بر اساس حقوق و رویه بین المللی" بود. بر بنیاد مطالعات مندرج در این کتاب، اتحادیه مزبور در اجلاس سال 1994 خود در پاریس «اعلامیه معیارهای انجام انتخابات آزاد و منصفانه» را که با اشارات صریح به مفاد اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد تنظیم شده بود به اتفاق آراء تصویب و منتشر کرد. متن انگلیسی این اعلامیه در پیوند زیر قابل دسترسی است:
<http://www.ipu.org/cnl-e/154-free.htm>
- گزارشی در مورد این اعلامیه، به قلم آقای ابراهیم یزدی، را می توانید در این پیوند بفارسی بخوانید:
<http://www.jahannews.com/vdci.payct1aqzbc2t.html>

ده سال پس از این تاریخ، اتحادیه، طی کنفرانسی در ماه نوامبر 2004 بار دیگر کارشناس این امر را گرد هم آورد. این کنفرانس با سرپرستی پروفسور "گای گودوین- گیل" و "دکتر مایکل بودا"، در عین تأکید بر مفاد بیانیه، پیشنهاداتی را برای تنقیح کتاب پروفسور "گای گودوین- گیل" مطرح ساخت.

متن جدید این کتاب در سال 2006 از جانب اتحادیه منتشر شد که متن انگلیسی آن را می توان از پیوند زیر

بارگزاری کرد: <http://www.ipu.org/PDF/publications/Free&Fair06-e.pdf>

تا آنجا که من می دانم، متن نخست این کتاب، با عنوان «انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق رویه‌ی بین‌المللی»، بوسیله‌ی جمال سیفی و سید قاسم زمانی به فارسی ترجمه و در سال 1380 از جانب موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش در تهران منتشر شده است. متأسفانه من این ترجمه را ندیده‌ام. ناشر در یادداشتی در تبلیغ اینترنتی انتشار این کتاب می نویسد: «کتاب حاضر، محصول مطالعه و تحقیق اتحادیه بین‌المجالس و چهارده تن از صاحب نظران و استادان کشورهای مختلف است که به صورت مرام‌نامه رسمی و با عنوان "معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه" در 26 مارس 1994 منتشر گردیده است».

<http://sdil.org/index.aspx?siteid=1&siteid=1&pageid=159>

7. http://zamaaneh.com/idea/2009/06/post_519.html

8. <http://mag.gooya.com/president84/archives/028172.php>

برگرفته از سایت «سکولاریسم نو»:

<http://www.NewSecularism.com>

آدرس با فیلترشکن:

<https://newsecul.ipower.com/index.htm>

آدرس فیلترشکن سایت شخصی نوری علا:

<https://puyeshga.ipower.com/Esmail.htm>

با ارسال ای - میل خود به این آدرس می توانید مقالات نور علا را هر هفته مستقیماً دریافت کنید:

NewSecularism@gmail.com